

نشستی درباره
جایگاه مدرسه در سند تحول

توانمندی‌های مدرسه

بخش دوم

مدرسه می‌آید، کمتر مشکل داشته باشد. مددی: در سند یکی از وظایف مدرسه این است که به ارتقای نقش تربیتی خانواده بپردازد.

تورانی: بله می‌شود. من به عنوان مدیر می‌توانم برای بچه تازه متولد شده (که والدینش در مدرسه من دانش‌آموز دارند) گل بپریم، به دلیل اینکه این بچه قرار است در آینده دانش‌آموز مدرسه من بشود. این چقدر قشنگ است!

همه منابع انسانی یک جامعه از بستر مدرسه عبور می‌کنند و وارد جامعه می‌شوند. آنچه که باید به کمک سند تقویت شود، افزایش قابلیت مدرسه است. قابلیت یعنی توانایی یادگیری‌های جدید و شاخصه‌های اعتماد به نفس و کنجکاوی هستند. چون حجم دانش بالاست، باید مدام بتواند چیزهای جدید یاد بگیرد. خیلی از معلم‌هایی که آموزش هم ندیده‌اند، به خاطر قابلیت‌هایشان موفق‌ترند، آن‌ها از فناوری‌ها استفاده می‌کنند و شوق یادگیری و شوق تغییر دارند.

مدرسه محل خلق و کسب تجربیات است. وقتی کسی در مدرسه اشتباهی

مجله «رشد معلم» در یکی از سلسله نشست‌های سند تحول در خدمت دکتر حیدر تورانی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه برنامه‌ریزی درسی و سردبیر فصلنامه رشد مدیریت مدرسه، دکتر رضا مددی، رئیس ستاد اجرایی سند تحول بنیادین و دکتر نوریه شادالویی، مدیر مدرسه و استاد دانشگاه بود. این نشست به بررسی نقش مدرسه در پیشرفت جامعه اختصاص داشت. بخش اول این گزارش در شماره ۳ این مجله به چاپ رسید. آنچه می‌خوانید بخش دوم این نشست است.

اتفاق می‌افتد. **مددی:** به نظر من هم مدرسه را نباید در عرض سازمان‌های دیگر قرار دهیم. مدرسه را باید شاه‌رگ حیاتی یا زیستگاه تلقی کنیم. آیا مدرسه در عرض سازمان‌های دیگر است یا ریشه و زیرساخت همه سازمان‌ها مدرسه است؟ **تورانی:** مدرسه در طول است. همه مریون مدرسه هستند.

مددی: یعنی مدرسه شاه‌رگ حیاتی جامعه است. مدرسه جامعه را می‌سازد و همه راه‌ها به مدرسه ختم می‌شود.

دکتر سعیده باقری: درباره آموزش پیش از دبستان می‌خواستم بپرسم: که آیا ما می‌توانیم این کارکرد را برای مدرسه پیش‌بینی کنیم که برای خانواده‌های حاضر در محل دوره‌های والدگری بگذاریم. دوره‌هایی که تربیت فرزند را آموزش می‌دهند تا کودکی که به

مددی: براساس سند، «مدرسه نقطه اتکای دولت و ملت است». منظور از این عبارت چیست؟

تورانی: دولت اگر بخواهد در آینده کارآمد باشد، باید به مدرسه توجه کند. چه کسی دولت را می‌سازد؟ اگر دولت حواسش به مدرسه نباشد فردا روز، وزرا و دولت‌مردهایش را از کجا می‌خواهد انتخاب کند. این نقطه اتکا است. دانش‌آموز هم در آینده اگر بخواهد به جایی برسد، از الان باید تلاش کند. تمام سرمایه‌های ما از مدرسه بیرون می‌آیند. مدرسه سازمانی است که تمام افراد جامعه بهترین سال‌های عمرشان را در آن سپری می‌کنند.

محمدرضا حشمتی: به نظر من مدرسه یک زیستگاه است؛ مدرسه سازمان نیست. مدرسه به نظر من فضایی است که معنا در آن جاری است و در آن شدن

کرد، نباید به حسابش بگذارید و نباید او را ارزیابی کنید. اگر دانش‌آموز اشتباه یا خطایی کرد، نباید جرم به حساب بیاید. مدرسه محل اشتباه کردن و کسب تجربه است. اگر در مدرسه یاد نگیرد کجا یاد بگیرد؟ فضا نباید حاوی وحشت و ترس باشد و باید فضای باز باشد.

← مدرسه پاسخگوی تربیت جامعه، بر اساس ساحت‌های شش‌گانه تربیتی

مددی: طبق سند، مدرسه باید موقعیت‌هایی را خلق کند که دانش‌آموزان تجربه‌های لازم را به‌دست بیاورند؛ مثل موقعیت همکاری در جمع. من در سال ۱۳۶۶ در یکی از مدرسه‌ها موقع امتحان بیرون از کلاس می‌ماندم. مدیر مدرسه که اعتراض می‌کرد، به ایشان می‌گفتم که اوایل بچه‌ها سوءاستفاده می‌کنند. اما به مرور زمان این موقعیت را پیدا می‌کنند که کمتر سوءاستفاده کنند. بعد از چند ماه درصد تقلب کاهش پیدا کرد. **تورانی:** این‌گونه آموزش‌ها در خانه رخ نمی‌دهند. چون قابلیت و ظرفیت خانواده آنقدر بالا نیست که به بُعد اجتماعی آن هم بپردازد. برای همین نیازمند مدرسه هستیم.

مددی: تربیت دو وجه دارد، وجه فردی به عهده خانواده و وجه اجتماعی به عهده مدرسه است. وقتی وجه اجتماعی تربیت مطرح می‌شود، پای دولت به معنای حاکمیت به میان می‌آید که این وجه به عهده حاکمیت است و نه بر عهده خانواده. خانواده هم در حیطه محدودتری می‌تواند این کار را انجام دهد، اما ظرفیت، توانایی و تخصص کافی ندارد. طبق قانون اساسی، یکی از وظایف حکومت در قبال مردم این است که خدمات تربیتی ارائه دهد. مدرسه از طریق ارائه خدمات تربیتی به نمایندگی از حاکمیت، حقوق مردم را تأمین می‌کند.

تورانی: خانواده وقتی بچه را به مدرسه می‌سپارد، به این معنی نیست که در قبال او دیگر مسئول نیست. حاکمیت به کمک خانواده می‌آید، چون تربیت امری سخت و پیچیده است و همه خانواده‌ها از امکانات کافی برای آن برخوردار نیستند.

حشمتی: گاهی بین خواست خانواده و مدرسه شکاف به وجود می‌آید. حاکمیت به دنبال رشد فرهنگی اجتماعی است، اما خانواده به دنبال آینده شغلی فرزندش و نتیجه کنکور است. سند در این بخش سکوت کرده و نگاه حکمرانانه و حاکمیتی سند در بحث فرهنگی-اجتماعی واقعیت ماجرا را نادیده گرفته است.

مددی: اصلاً این‌طور نیست. بُعد اجتماعی، ناظر بر همه جنبه‌های مورد نیاز فرد است و نه فقط فرهنگی-اجتماعی. سند برای معرفی تربیت این‌گونه بیان می‌کند که مدرسه بر اساس تقسیم‌بندی ساحت‌های شش‌گانه تربیتی پاسخگوی تربیت است. مدرسه پاسخگوی تربیتی اعتقادی، اخلاقی و عبادی، تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، تربیت زیستی و بدنی، تربیت زیبایی‌شناسی و هنری، تربیت علمی و فناوری و تربیت اجتماعی و سیاسی است. تربیت اقتصادی-حرفه‌ای و فناوری به بحث شغل آینده بچه هم می‌پردازد.

تورانی: کودک باید با اکتانای بر هدف‌های دوره‌های تحصیلی و ناظر بر شش‌ساحت تربیت بشود. در طول ۱۲ سال باید زمینه‌های بروز استعدادها ناظر بر تک تک این‌ها فراهم شود تا اگر بچه‌ها وارد دانشگاه شدند، بتوانند بر هر یک از این شاخه‌ها پیوند بزنند. اگر در دانشگاه وارد هر تخصصی شدند، به راحتی بتوانند این محصول را گسترش دهند. مدرسه زمینه‌های تربیت تخصصی را فراهم می‌کند تا در این زمینه‌ها در دانشگاه پرورش یابد. اما مدرسه وظیفه تربیت تخصصی ندارد و فقط زمینه‌چینی بر عهده آن است.

شادالویی: مرحله عمومی تا نهم، یعنی متوسطه اول است و متوسطه دوم نیمه تخصصی می‌شود. پس چرا دنبال نانو و شیمی-فیزیک می‌رویم؟

مددی: کار مدرسه تربیت عمومی است و کار دانشگاه تربیت تخصصی است. فقط یک جا در برنامه درسی ملی گفته شده است که متوسطه دوم نگاه نیمه تخصصی دارد. مأموریت اصلی ما عمومی است. نظام تربیت رسمی و

عمومی به این معنی است که ما مسئول تربیتی هستیم که قانونمند عمل می‌کند. ما مسئول کل تربیت در جامعه نیستیم. ما مسئول تربیت مدرسه‌ای هستیم، یعنی تربیت رسمی و عمومی، که یکی از ویژگی‌هایش آن است که مدرک‌گرا باشد و دومین ویژگی‌اش این است که باید در مدرسه اتفاق بیفتد. کاری که در مدرسه اتفاق می‌افتد، تماماً قانونمند است و معلم و محتوایش ضابطه دارد. این کلمه رسمی یعنی ما مسئول تربیت عام نیستیم، ما مسئول تربیت قانونمند هستیم. کلمه عمومی هم یعنی ما مسئول ارائه خدمات تربیتی به عموم شهروندانیم، صرف‌نظر از نژاد، مذهب و تفاوت‌ها؛ آن حداقلی که باید به همه شهروندها ارائه شود.

حشمتی: پس شما از عمومی دو برداشت می‌کنید: عمومی در مقابل تخصصی، عمومی یعنی شمولیت همه نژادها و تفاوت‌ها.

مددی: یک عمومی در مقابل تخصصی است. این یعنی دانشگاه. آن عمومی به معنی همه شهروندان است. ما مسئول بخشی از تربیت در جامعه هستیم که در محیطی قانونمند مثل مدرسه اتفاق می‌افتد. سند-در اصل حاکمیت-می‌گوید: تربیت رسمی و عمومی که در مدرسه اتفاق می‌افتد، اصل است. تربیت عامی که در بقیه جاها اتفاق می‌افتد، باید هماهنگ با تربیت رسمی اتفاق بیفتد. حاکمیت در امر تربیت مدرسه سیاست‌گذاری می‌کند و بقیه اتفاق‌ها، هر جا که می‌افتد، باید هماهنگ با مدرسه باشد. یعنی مسیر اصلی مدرسه است. صدا و سیما باید سیاست‌های تربیتی‌اش را با مدرسه هماهنگ کند. ارشاد باید در راستای تکمیل مدرسه عمل کند. حوزه‌های علمیه باید در راستای مدرسه عمل کنند.

حشمتی: نگاه سند باید این باشد که فعالیت‌های تربیتی «فرا وزارت آموزش پرورش» هستند. که صدا و سیما باید سیاست‌گذاری‌اش را مطابق با آموزش و پرورش انجام دهد. ارشاد هم باید همین کار را بکند. سازمان تبلیغات هم همین‌طور ■